

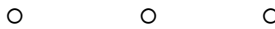
## سبکهای رویاروگری و سازگاری زناشویی در فرزندان شاهد

دکتر جواد ملازاده\*، دکتر محمود منصور\*\*، دکتر جواد ازهای\*\* و دکتر علیرضا کیامنش\*\*\*

### چکیده

به منظور بررسی رابطه سبکهای رویاروگری با سازگاری زناشویی در فرزندان شاهد متأهل و همسران ایشان ۲۱۱ نفر از فرزندان شاهد متأهل و ۲۱۱ نفر همسرانشان (در مجموع ۴۲۲ نفر) که در تهران ساکن بودند، به طور تصادفی انتخاب گردیده، با استفاده از پرسشنامه سبکهای رویاروگری کارور و همکاران (۱۹۸۹) و مقیاس سازگاری دو نفره (زناشویی) اسپانیر (۱۹۷۶) در طرح مطالعه مقطعی مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای بررسی داده‌ها از روش ضریب همبستگی پیرسن، تحلیل رگرسیون خطی دو متغیره و چند متغیره استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان داد که بین سبکهای رویاروگری با سازگاری زناشویی رابطه وجود دارد و براساس نتایج رگرسیون چند متغیره به شیوه گام به گام می‌توان سبکهای رویاروگری را به عنوان متغیر پیش بین برای سازگاری زناشویی در سطح زن و مرد تلقی نمود.

کلید واژه‌ها: سبکهای رویاروگری، سازگاری زناشویی، خانواده‌های شاهد



\*\* عضو هیأت علمی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران

\* دانشگاه تربیت مدرس

\*\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت معلم تهران

## مقدمه

تأثیر کیفیت ازدواج<sup>۱</sup> و روابط دو نفره (همسران) در خانواده بر سلامت جسمانی و روانی، موفقیت و سازگاری روانی - اجتماعی<sup>۲</sup> آنان در ابعاد گوناگون زندگی فردی و اجتماعی، همواره مورد تأیید واقع شده است. از سوی دیگر رابطه متغیرهای مختلف، ویژگیهای خانوادگی، سن، وضعیت اقتصادی، تحصیلات، اختلاف فرهنگی، نقش جنس<sup>۳</sup>، نوع باورها و سطح انتظارات، منبع مهارگری<sup>۴</sup>، سبکهای دلبستگی<sup>۵</sup>، شیوه‌های ارتباط<sup>۶</sup>، ویژگیهای شخصیت، سبکهای رویاروگری<sup>۷</sup> در دو جهت انتهایی (با سازگاری زناشویی<sup>۸</sup> - از هم گسیختگی رابطه زناشویی) موضوع مطالعات مختلف بوده است. انگیزه بررسی تأثیر همسان نبودن خانواده‌ها از نظر ویژگیهایی مانند تعداد و ترکیب اعضاء، نوع سرپرستی خانواده (تک‌والدی<sup>۹</sup> یا حضور هر دو والد) و... نیز، موجب شکل‌گیری پژوهشهایی شده است (دام، دیویس و اکیانر ۲۰۰۱).

هرچند سازگاری زناشویی و در مقابل آن، از هم گسیختگی زناشویی، بیشتر مورد علاقه خانواده درمانگران و مشاوران است، شناخت عوامل مرتبط با سازگاری زناشویی به منظور افزایش بقاء و آرامش و رفاه زوجها می‌تواند برای همه سودمند باشد چراکه سازگاری زناشویی را عامل حفظ نظام و تقویت حیات روانی خانواده دانسته‌اند (لاوی، مک کابین و السن، ۱۹۸۷). به علاوه براساس نتایج پاره‌ای از تحقیقات، سازگاری زناشویی مثبت از یکسو با سلامت جسمی و روانی و رضایت مندی در گستره‌های مختلف و از سوی دیگر، با ویژگیهای فردی و زوجی مانند ارتباط مؤثر، شباهت بازخوردها<sup>۱۰</sup> و حرمت خود<sup>۱۱</sup> بالا همبسته بوده است (مارکویسکی و گرین وود، ۱۹۸۴).

در دیدگاه محیط‌نگری، سازگاری زناشویی، تحت تأثیر عواملی مانند ادراک افراد از کیفیت روابطشان با سایر اعضای خانواده، منابع شایستگی<sup>۱۲</sup> (سلامت جسمانی، هیجانی<sup>۱۳</sup> و میزان تئیدگی کلی<sup>۱۴</sup>) و خواسته‌های آنان؛ همچنین شرایط و تجارب خاص زیستی و تقویمی (جنس، سن ازدواج و وضعیت اقتصادی) واقع می‌شود (بابلز و سانتاگ، ۱۹۹۳).

از آنجاکه روابط طولانی مدت مانند ازدواج، مستلزم تلاشهای مالی، اجتماعی و شخصی است و در هر یک از این تلاشها امکان بروز تئیدگی وجود دارد؛ از این رو، خانواده را می‌توان به عنوان منبع بالقوه اطلاعات درباره فرایندهای رویاروگری و نتایج آن قلمداد نمود. نتایج برخی از مطالعات انجام شده، نشان داد که پاسخهای رویاروگری در مقایسه با سایر عوامل، نظیر عوامل

شغلی یا اقتصادی و... آثار نیرومندتری در گستره سازگاری زناشویی دارد (پیرلین و اسکولر، ۱۹۷۸).

سبکهای رویاروگری با تیندگی‌ها یکی از عوامل آشکارکننده ویژگیهای فرد و اختلاف آن در سطح دو نفر فرض شده است، براساس گزارش فردریکسن (۱۹۷۷)، زوجهایی که یک یا هر دو آنها در طی دوازده ماه مشاوره زناشویی دریافت کردند، بیشتر از زوجهایی که دارای نارسایی در کنش‌وری زناشویی بودند، رویدادهای تیندگی زندگی را تجربه کرده بودند. نتایج بسیاری از مطالعات از قبیل بررسی‌های گویتا و کمپاس (۱۹۹۳)، لیت و تنن، افلک و کلاک (۱۹۹۲)، ماتلین، تینگن و کسلر (۱۹۹۰)، میتچل، کرنیکت و موث (۱۹۸۳)؛ استتن، تنن، افلک و مندولا (۱۹۹۲)، نشان داده است که بین استفاده از سبکها و راهبردهای رویاروگری مانند بهره‌گیری از فرار و اجتناب با افزایش میزان آشفتگی‌ها و اختلالات روانشناختی رابطه مثبت و بین استفاده از سبکهای رویاروگری مسئله مدار<sup>۱۵</sup> با آن اختلالات، رابطه منفی وجود دارد. به استناد یافته‌های ماتلین و همکاران (۱۹۹۰)؛ استتن، دانوف - برگک، کامرون و الیس (۱۹۹۴)؛ استتن و همکاران (۱۹۹۲)، درباره رابطه سبکهای رویاروگری و سازگاری زناشویی، میزان استفاده از سبکهایی مانند جستجوی حمایت اجتماعی<sup>۱۶</sup>، مواجهه توأم با روی آورد هیجانی توسط افراد، با توجه به جنس و تنوع موقعیت‌های تیندگی‌زا<sup>۱۷</sup>، متفاوت بوده است. نظریه‌های رویاروگری سنتی، مردان را بیشتر با استفاده از راهبردهای رویاروگری مسئله مدار و زنان را با استفاده بیشتر از راهبردهای رویاروگری فعل‌پذیر مانند انکار، توصیف می‌نمودند. به عبارت دیگر رویاروگری را در مردان مؤثر و در زنان نامؤثر به حساب می‌آوردند (پیرلین و اسکولر، ۱۹۷۸؛ هابفال، دیوناو، بن - پوراث و مانیر، ۱۹۹۴؛ استن و نیل، ۱۹۸۴). با وجود این، نظریه‌های اخیر، رویاروگری در مردان را به ویژه در گستره شغلی، رقابتی، وظیفه مدار و حتی حل مسئله توأم با پرخاشگری و رویاروگری در زنان را به ویژه در گستره روابط بین فردی، اجتماعی، قاطع و همدلانه، توصیف نموده‌اند (هابفال و همکاران، ۱۹۹۴). برخی از محققان گزارش کردند که استفاده زنان از راهبردهای رویاروگری فعل‌پذیرانه مشکلات زناشویی را تشدید می‌کند (بیلینگز و موث، ۱۹۸۱؛ پیرلین و اسکولر، ۱۹۷۸). با وجود این سابورین و همکارانش (۱۹۹۰)، در تکرار این الگو و رسیدن به نتایج قبل موفق نبودند. آنان به این نتیجه رسیدند که حتی اگر زنان به استفاده کمتر از مقایسه‌های خوش بینانه تمایل داشته باشند،

بازهم بین استفاده از راهبردهای رویاروگری و سازگاری زناشویی آنها رابطه مثبت وجود دارد. در مجموع نتایج مشخص کرد که سبکهای رویاروگری می‌توانند به عنوان پیش‌بینی‌کننده‌های مهم و معنادار سازگاری زناشویی به حساب آیند. به طور خاص دو سبک رویاروگری فاصله‌ای - اجتنابی و جستجوی حمایت اجتماعی، پیش‌بینی‌کننده‌های خطی سازگاری زناشویی بودند. به عبارت دیگر بسته به میزان استفاده از سبکهای اول و دوم، از سازگاری زناشویی بیشتر یا کمتر بهره‌مند بودند (باومن، ۱۹۹۰؛ هوسر و همکاران، ۱۹۹۰).

هر یک از همسران با پیشینه تحوّل و سبک شخصیتی و همچنین ترکیب عوامل زیست‌شناختی، محیطی یا تجربی گوناگون به زندگی مشترک قدم می‌گذارد. این ویژگیها، گرایش به ثبات و پایداری دارند و نقش عمده‌ای در مشخص نمودن فرد ایفا می‌کنند، با استناد به یافته‌ها و نتایج بررسی دام، دیویز و اکاز (۲۰۰۱)، می‌توان اثر پیشینه خانوادگی افراد، مانند تعداد افراد خانواده، ترتیب تولد، فاصله سنی بین فرزندان، جنس خواهر و برادر کوچکتر و بزرگتر، کمیّت و کیفیت حضور پدر در خانواده، کیفیت ایفای نقش‌های والدینی<sup>۱۸</sup> و میزان تناسب نقشها با جنس و با وضعیت رفتارهای کنونی آنان در خانواده را دریافت.

هر یک از زوجها تجارب و انتظاراتی را به رابطه کنونی آورده‌اند؛ به ویژه ممکن است وارث ضربه‌هایی از خانواده یا روابط قبلی باشند (هازان و شاور، ۱۹۹۴). این تجارب بر الگوهای رفتار روزمره، شناختها، کیفیت مواجهه با مشکلات و تعارضها و نوع جهت‌گیری‌های عاطفی شان در الگوهای تعامل زناشویی<sup>۱۹</sup> در حال تحوّل اثر می‌گذارد.

به علاوه بررسی‌های دقیقتر کاتچیک، درسی، میلر و فورهند (۱۹۹۹)، درباره خانواده‌های تک والدینی که سرپرستی و هدایت آن توسط مادر انجام می‌شود، نتایجی مثل رنج بردن فرزندان آنها از نبود یک الگوی مردانه، اهمیت ویژه آن برای فرزندان پسر به سبب لزوم شباهت الگو برای همسانسازی<sup>۲۰</sup> در بیشتر ابعاد تحوّل مانند نقش، جنس و...؛ همچنین تجربه انواع مشکلات رفتاری و سازگاری، به ویژه در خلال نوجوانی و جوانی توسط پسران فاقد الگوی مردانه و افزایش رغبت جنسی و رفتارهای بزهکارانه در دختران مربوط به این گونه خانواده‌ها را به دست داد. با وجود این آما تو و کیت (۱۹۹۱)، لزوم بررسی تأثیرات جدایی، ازدواج مجدد و زندگی در خانواده تک والدی بر مبنای روی آورد فردی نگر و در نظر گرفتن سایر عوامل (نه به صورت تک‌عاملی و رابطه خطی) را مورد تأکید قرار داده بودند. آنان مشاهده کردند که فرزندان متعلق

به این گونه خانواده‌ها ولی برخوردار از کنش وری مناسب، از کودکانی که با پدر و مادر خود و در یک وضعیت توأم با تضاد و تعارض به سر می‌برند، می‌توانند مشکلات کمتری داشته باشند؛ از این رو، ممکن است بتوان فرض نمود که بررسی رابطه فقدان پدر<sup>۲۱</sup> با سازگاری زناشویی از طریق رابطه آن با سبکهای رویاروگری تبیین دقیقتری را فراهم نماید.

براساس دیدگاه محیط‌نگری<sup>۲۲</sup> فرض بر این است که تجربه تنیدگی (ازمنع بیرونی یا درونی) با ازدواج و تجارب زندگی خانوادگی مرتبط است. به علاوه تنیدگی احساس شده توسط یکی از دو نفر بر همسر دیگر نیز اثر می‌گذارد (ویلسن، لارسن و استن، ۱۹۹۳). مطالعات متعددی درباره رابطه تنیدگی و سازگاری دو نفره انجام شده است. نتیجه عمده این بوده است که سطوح بالای تنیدگی همبستگی منفی با سازگاری دو نفره<sup>۲۳</sup> داشته است (لاوی و همکاران، ۱۹۸۷؛ مک لاقلین، کرمیر و کرمیر، ۱۹۸۸). از این رو، مانند رابطه سلامت جسمانی و سازگاری دو نفره انتظار می‌رود که رابطه معکوسی بین تنیدگی یا به عبارت بهتر استفاده از نوع سبکهای رویاروگری که به کاهش تنیدگی نمی‌انجامد و سازگاری دو نفره زنان و شوهران وجود داشته باشد.

از آنجا که مواجهه با تنیدگی زهای بین فردی، مستلزم به کار بستن راهبردهای رویاروگری و حل تعارض است، درمانگران روابط زناشویی و محققان خانواده به بررسی چگونگی آثار تنیدگی بر کیفیت تجربه زناشویی زنان و شوهران گرایش دارند (موروکاف و گیلاند، ۱۹۹۳). براساس نظر هلمز و راهه (۱۹۶۷)، همسران در زندگی زناشویی خود حداقل با دو نوع تنیدگی رویدادهای جدید و مشاجرات روزانه زندگی<sup>۲۴</sup> واکنش نشان می‌دهند.

تنیدگی از دهه ۱۹۵۰ موضوع عمده‌ای در پژوهش روانشناختی بوده است، اما دیدگاه تنیدگی و رویاروگری به علت تأکید بر ارزیابی تعاملی در دهه ۱۹۸۰ مطرح و به سبب تناسب با انقلاب شناختی در روانشناسی با استقبال فراوان مواجه شد. این روی آورد در روانشناختی شخصیت نیز یک جایگزین پویایی برای روانشناسی رگه<sup>۲۵</sup> فراهم نمود. به علاوه برای متخصصان و روانشناسان سلامت که در پی یک تبیین علمی برای مداخلات شان در اداره تنیدگی و تأمین سلامت بودند، جاذبه داشت. انگیزه و کثرت میزان تحقیقات و اغلب یافته‌ها در این زمینه، مؤید باور مبنی بر نقش واسطه رفتار رویاروگری بین تجربه تنیدگی و نتایج سازش یافتگی<sup>۲۶</sup> مانند سلامت روانشناختی ضعیف و علایم جسمانی بوده است (آلدوین و ریونسن، ۱۹۸۷، بیلینگز و موث، ۱۹۸۱؛ پیرلین و اسکولر، ۱۹۷۸).

رویاروگری به عنوان فرایند مشخص کننده خواسته‌ها و الزامات درونی و بیرونی، فرایندی فعال و هدفمند برای پاسخدهی به محرکی که تهدیدکننده یا مستلزم استفاده از منابع ادراک شده، مفهوم پردازی گردیده است (بیلینگز و موث، ۱۹۸۱؛ لازاروس و فلکمن، ۱۹۸۴). همچنین رویاروگری یک متغیر مهم در پیش‌بینی رفاه و سلامت روانی افرادی است که رویدادهای حساس و بحرانی زندگی را تجربه می‌نمایند و یا از بیماری‌های مزمن و تهدیدکننده زندگی، مانند سرطان و بیماریهای عفونی رنج می‌برند (فیلیپ، کلار، فریدنبرگ و فرینگک، ۱۹۹۰). از این رو، برای پیش‌بینی بلندمدت بهداشت روانی نیز می‌تواند مفید باشد که در این صورت پذیرش ثبات نسبی آن در طی زمان و موقعیت‌ها، اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. اشاره به رفتارهای چندگانه و مبهم فردی در طی موقعیت‌ها از سوی برخی از محققان، بحث‌هایی را در پی داشته است، با وجود این سایرین نشان دادند که در انبوهی از رفتارهای مشاهده شده در موقعیت‌های گوناگون نوعی تجانس و همسانی خاص قابل مشاهده است (اپشتین، ۱۹۷۹). در چند سال اخیر مجدداً گرایش به جنبه‌های پایدار رویاروگری افزایش یافته و در این راستا مقیاسهای متعددی برای ارزیابی سبکها، گرایشها یا راهبردهای پیشرفته رویاروگری فراهم آمده است (کارور، اسکرو و ویترا، ۱۹۸۹؛ اندلرو پارکر، ۱۹۹۰؛ کروهنی، ۱۹۹۳).

به‌طور سنتی تحقیق درباره رویاروگری، بین دو نوع آن یعنی رویاروگری مسأله مدار و هیجان‌مدار<sup>۲۷</sup> تمایز قائل شده است. کنش‌های رویاروگری یا مستقیماً تنیدگی را هدف قرار می‌دهد و شامل تلاشهایی می‌شوند که در جهت تغییر و اصلاح نظم دهی منبع تنیدگی اعمال می‌شود یا به نظم دهی هیجانهای مرتبط و تعادل پاسخهای هیجانی ناشی از وضعیت موجود می‌انجامد (فلکمن و لازاروس، ۱۹۸۰). کوشش‌های مفهومی و تجربی برای تعریف سبکهای رویاروگری برابر با این کنشهای متمایز است. کوششهای مربوط به رویاروگری مسأله مدار به طور خاص عامل تنیدگی را هدف قرار می‌دهند در حالیکه رویاروگری هیجان‌مدار به تلاشهایی رجعت دارد که برای تنظیم هیجانهای مرتبط با تنیدگی از است (باند و ویز، ۱۹۸۸؛ لازاروس و فلکمن، ۱۹۸۴). براساس نتایج تحقیقات متعدد، بسیاری معتقدند که راهبرد رویاروگری مسأله مدار مؤثرتر با علائم نگرانی، رابطه منفی داشته است (بیلینگز و موث، ۱۹۸۴).

تعیین‌کننده‌های ژنتیک، محیط اولیه خانواده و نظم‌هایی در وقوع و واکنش به رویدادهای تنیدگی‌زا، می‌تواند به تفاوت‌های فردی بینجامد و این تفاوتها نیز بر چگونگی ارزیابی تنیدگی،

انتخاب راهبردهای رویاروگری و مقاومت یا آسیب‌پذیری<sup>۲۸</sup> در برابر آثار متنوع تنیدگی تأثیر گذارند. اطلاع از منابع شخصی و اجتماعی رویاروگری نیز به فرد کمک می‌کند، مواجههٔ بهتری با تنیدگی داشته باشد. در هر کدام از نظریه‌های مرتبط با تنیدگی، سهم خاصی برای منابع رویاروگری قائل می‌شوند؛ در بین آنها می‌توان به نظریهٔ شناختی-ارتباطی<sup>۲۹</sup> تنیدگی که بر اساس کار هابفال (۱۹۸۹)، است، اشاره نمود. براساس این نظریه، تنیدگی زمانی توسط فرد احساس می‌شود که فرد، درخواست‌ها و الزامات محیط را بیش از توان و منابع فردی خود تلقی نماید که سپس این احساس، بسته به میزان اثر بخشی رویاروگری یا تحقق بهبود در توانمندیهای شخص تغییر می‌کند.

در بین متخصصان بالینی و محققان مدافع نظری که رویاروگری را به عنوان مجموعهٔ فرایندهای درون روانی<sup>۳۰</sup> می‌بینند، تمایزی بین رویه رویاروگری مثبت یا سازشی و رویاروگری منفی یا غیر سازشی (یعنی روان آزرده‌گی) و مکانیزمهای دفاعی قائل شده‌اند (زیتلین، ۱۹۸۰). رویاروگری مثبت با رسیدگی بیشتر، منعطف، هدفمند، آینده‌نگر، مبتنی بر واقعیت و دارای روی آورد سنجیده در برابر موقعیت‌های تنیدگی زا و موجد اضطراب تلقی می‌شود در حالیکه رویه دیگر به عنوان حالت مقاوم<sup>۳۱</sup> جهت یابی گذشته (گذشته نگر)، منحرف‌کنندهٔ واقعیت و عموماً فرایندهای غیر سازشی نگرسته می‌شود.

اغلب این رویه‌ها در دو بخش؛ استقبال در برابر اجتناب، درگیر و مشغول شدن در برابر عدم اشتغال به آن و تمرکز شناختی- رفتاری (بر مشکل) در برابر تمرکز عاطفی (هیجانی) تقسیم شده‌اند (فلکمن و لازاروس، ۱۹۸۰؛ اسکر، وینتراب و کارور، ۱۹۸۶؛ تاین و همکاران، ۱۹۸۹). سالز و فلکچر (۱۹۸۵)، دربارهٔ آثار متفاوت این شیوه‌ها معتقد بودند که راهبردهای رویاروگری اجتنابی، شاید در کوتاه مدت بتواند مفید باشد، اما مواجهه با مسأله و توجه دقیق به آن در بلندمدت مناسب‌تر است.

دسته‌بندی‌های نظری دربارهٔ رویاروگری، عموماً در دامنهٔ از کمترین یعنی سه بُعد (رفتاری، شناختی و هیجانی؛ بیلینگز و موث، ۱۹۸۱؛ فلکمن و لازاروس، ۱۹۸۰)، تا ابعاد بیشتر، (حل مسأله، حمایت اجتماعی، خود سرزنی، تاین و همکاران ۱۹۸۹)، قرار می‌گیرند. به رغم این صورتبندی‌های اولیهٔ نظری یا طبقه بندیهای مبتنی بر مفهوم‌پردازی‌های بالینی، سبکهای رویاروگری نشأت گرفته از تجربه (مقیاسها) گسترهٔ وسیعتری، از هفت بُعد (آلدوین و ریونسن،

۱۹۸۷؛ فلکمن و همکاران، ۱۹۸۶) تا چهارده بُعد (کارور و همکاران، ۱۹۸۹) و حتی بیست و چهار بعد (مک گری، ۱۹۸۴)، را شامل می‌شوند.

بیشتر مقیاس‌های دارای مبنای تجربی، شامل رویه‌هایی مانند: الف- فرار یا اجتناب ب- عمل ابزاری یا حل مسأله ج- انکار<sup>۳۳</sup> یا تقلیل‌گرایی<sup>۳۳</sup> د- جستجوی حمایت اجتماعی ه- جستجوی

معدنا<sup>۳۴</sup> و- خود سرزنشی یا خود انتقادی ز- برنامه ریزی ح- پذیرش ط- بازگشت به مذهب یا تفکر آرزوگرایانه ی- عدم درگیری با مسأله<sup>۳۶</sup> ک- مذاکره یا معامله ل- پالایش هیجانی یا تخلیه روانی<sup>۳۷</sup> خود هستند.

ولراث و همکاران (۱۹۹۵)، با استفاده از پرسشنامه سبکهای رویاروگری کارور (۱۹۸۹)، موفق شدند پانزده عامل وی را که از نظر تعداد مؤلفه‌ها مورد انتقاد بود؛ به سه سبک کاهش دهند که علاوه بر رفع مشکل تعداد کم مؤلفه‌ها در هر عامل، امکان انجام مطالعات و بررسی رابطه با سایر متغیرها را تسهیل می‌نمود. سبکهای مشخص شده همراه با عوامل قبلی عبارتند از:

سبکهای رویاروگری هیجان مدار مثبت (تعالی بخش) و سبکهای رویاروگری هیجان مدار منفی (اجتنابی - فاصله‌ای) که بالقوه از نظر کنش وری نارسا یا دارای تأثیر و فایده کمتر بوده است. سبکهای رویاروگری مسأله مدار، شامل راهبردهای رویاروگری فعال، برنامه ریزی، خودداری از انجام فعالیتهای رقابتی، رویاروگری خودداری از انجام عمل و جستجوی حمایت ابزاری؛ سبکهای رویاروگری هیجان مدار مثبت، راهبردهای جستجوی حمایت اجتماعی مبتنی بر هیجان، تفسیر مجدد مثبت، پذیرش، مذهب و شوخی و سبکهای رویاروگری هیجان مدار منفی، انکار، عدم درگیری ذهنی با مسأله، عدم درگیری رفتاری در جهت مسأله، تمرکز بر هیجان و تخلیه آن یا استفاده از داروها و الکل<sup>۳۸</sup> را شامل می‌شود.

هدف همه پژوهشهای انجام شده درباره رویاروگری این بوده است که نوع مکانیزمهای رویاروگری مورد استفاده توسط افراد و اینکه کدامیک از آنها در مواجهه با تنیدگی‌ها و تأمین سلامت و رفاه موثرترند را مشخص سازند. این پژوهش، رابطه بین سبکهای رویاروگری را با سازگاری زناشویی در فرزندان شاهد و همسران آنان را مورد بررسی قرار می‌دهد که به رغم اهمیت سبکهای رویاروگری در پیش‌بینی سازگاری در ابعاد مختلف، تاکنون توجهی بدان نشده است.



## فرایند روش شناختی

جامعه آماری، نمونه مورد بررسی و روش انتخاب نمونه

جامعه مورد نظر در این مطالعه، فرزندان متأهل شاهد و همسران آنان است که ساکن تهران بوده و در سالهای ۷۶ (۲۳۴ نفر)، ۷۷ (۴۳۶ نفر)، ۷۸ (۴۴۰ نفر) و نیمه اول ۱۳۷۹ (۲۰۸ نفر) ازدواج کرده‌اند. از این جامعه ۵۶۰ نفر (۲۸۰ زوج) با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی برای بررسی انتخاب شده‌اند. ابتدا فهرست افراد ازدواج نموده در سالهای مذکور تهیه گردید سپس با رعایت نسبت افراد در هر سال و هر منطقه با استفاده از جدول تصادفی انتخاب شدند که پس از پیگیری‌های فراوان، در نهایت امکان تکمیل پرسشنامه‌ها برای ۴۲۲ نفر (۲۱۱ زوج) بوجود آمد. دامنه سنی آزمودنیها از ۱۸ تا ۳۸ سال بوده و بیش از نیمی از آنان تحصیلات دیپلم و بالاتر داشته‌اند.

## ابزارهای پژوهش و روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش مقیاس سازگاری دو نفره<sup>۳۹</sup> (زن و شوهر) اسپانیر و پرسشنامه سبکهای رویاروگری با تیدگی کارور، مورد استفاده قرار گرفت. هر دو ابزار با استفاده از نظرات ۹ نفر از استادان روانشناس در زمینه انطباق ترجمه و روایی صورتی مورد واری، قرار گرفت. به علاوه ضرایب اعتبار بازآزمایی و آلفای کرونباخ برای آنها محاسبه گردید. همچنین روایی ابزارها، پرسشنامه رویاروگری از طریق تأیید عوامل به دست آمده توسط ولراث (۱۹۹۵) و اجرای همزمان پرسشنامه سازگاری زناشویی لوکه و والاس با مقیاس سازگاری زناشویی اسپانیر به دست آمده و گزارش شده است.

## الف- مقیاس سازگاری دو نفره (زن و شوهر)

این مقیاس دارای سی و دو سؤال است که میزان سازگاری دو نفره زن و شوهر را مورد سنجش قرار می‌دهد. این مقیاس در سال ۱۹۷۶ توسط اسپانیر تهیه شد و تا سال ۱۹۸۴ در حدود هزار مطالعه به عنوان ابزار اصلی مورد استفاده قرار گرفت (اسپانیر، ۱۹۸۵). به علاوه به واسطه استفاده از نتایج آن همواره امکان تمایز بین زوجهای سازگار و ناسازگار، از جمله کسانی که احتمال اقدام به طلاق در آنان بیشتر است، فراهم آمده است. (دوناهو و ریدر، ۱۹۸؛ کازاک جارماس و

اشنیتزر، ۱۹۸۸؛ شارپلی و کراس، ۱۹۸۲).

اسپایر ساختار این مقیاس را براساس تفاوت‌های بین نمرات زوجهای سازگار و ناسازگاری فراهم نمود. نمره کلی این مقیاس از صفر تا صد و پنجاه با جمع نمرات سؤالها به دست می‌آید. پاسخدهی به سی و دو سؤال این مقیاس به سبک لیکرت است که برای افزایش اعتبار آن، تعدادی از سؤالات به صورت مثبت و تعدادی به صورت منفی طراحی شده است. بنابراین برخی از سؤالها مستلزم معکوس نمودن جهت نمره گذاری هستند. افرادی که نمره آنها ۱۰۱ و یا کمتر از آن باشد از نظر اسپایر (۱۹۷۶)، دارای مشکل و ناسازگار تلقی شده‌اند. در مطالعه وی میانگین نمرات زوجهای سازگار ۱۱۴/۷ و زوجهای ناسازگار ۷۰/۷ بود. اسپایر (۱۹۷۶)، اعتبار مقیاس را ۰/۹۶ گزارش نمود. کری، اسپکتور، لانتینگا و کراس (۱۹۹۳)، در بررسی این مقیاس به همسانی درونی بالایی در سرتاسر آن (۰/۹۵) دست یافتند.

اسپایر در مطالعه خود با استفاده از قضاوت متخصصان درباره محتوای مقیاس شواهدی دال بر وجود روایی محتوای آن برای سنجش سازگاری زناشویی به دست داد همچنین براساس تفاوتی که در نمرات زوجهای ناسازگار (از هم جداشده یا در حال جدایی) و زوجهای دارای زندگی مشترک پایدار مشاهده نمود براساس همبستگی ۰/۸۶ بین نتایج آن با پرسشنامه سازگاری زناشویی لوکه و والاس (۱۹۵۹)، روایی آن را مشخص نمود.

در این پژوهش نیز برای تعیین اعتبار، از روش بازآزمایی با فاصله زمانی سی و هفت روز بر روی ۹۲ نفر از نمونه مورد بررسی استفاده شد که ۰/۸۶ به دست آمد و آلفای کرونباخ این مقیاس نیز ۰/۸۹ بوده است. برای تعیین روایی از اجرای همزمان این مقیاس و پرسشنامه سازگاری زناشویی لوکه و والاس دارای اعتبار ۰/۷۵ (خدایپناهی، ۱۳۷۴) روی ۷۶ نفر از زوجهای مشابه با زوجهای نمونه استفاده شد و ضریب ۰/۹۰ به دست آمد.

### ب- پرسشنامه رویاروگری با تنیدگی

در پژوهشهای قبل مانند مطالعه ولراث و همکاران (۱۹۹۵)، این مقیاس چه در سطح کل و چه در سطح مقیاسهای فرعی، به جز مقیاس مربوط به سبک رویاروگری عدم درگیری ذهنی یا بی تفاوتی روانی (کمتر از ۰/۵۰) از همسانی و تجانس درونی مناسب (بالا تر از ۰/۶۵) برخوردار بوده است.

روایی سازه این پرسشنامه در پژوهشهایی از جمله تحقیق ولراث و همکاران (۱۹۹۵)، از راه بررسی ارتباط بین سبکهای رویاروگری و عوامل شخصیت تعیین شد؛ بدین معنا که بین سبکهای رویاروگری مسأله مدار و همچنین هیجان مدار مثبت و عوامل شخصیت، نظیر تردید به خود، نایمنی، حساسیت، وابستگی، شکایت، مقاوم بودن و بی ثباتی هیجانی، در مجموع رابطه منفی و در حالیکه بین سبکهای رویاروگری هیجان مدار منفی (فاصله‌ای - اجتنابی) و این عوامل در بیشتر موارد رابطه مثبت وجود داشته است.

در این مطالعه علاوه بر استفاده از روش تحلیل عاملی، تأییدی برای تصریح و تأیید سه عامل مشخص شده توسط ولراث (۱۹۹۵)، برای تعیین اعتبار بازآزمایی به فاصله سی و هفت روز در سطح ۷۶ نفر از زوجهای نمونه اجرا و ضریب  $0/79$  به دست آمد و ضرایب آلفای کل پرسشنامه  $0/80$  و در سطح عوامل نیز در همین نمونه، آلفای سبک رویاروگری مسأله مدار  $0/75$ ، هیجان مدار مثبت  $0/83$  و هیجان مدار منفی یا نارساکنشوری  $0/71$  به دست آمد. به علاوه مشخص شد که در این نمونه، مذهب در گروه سبکهای رویاروگری مسأله مدار قرار می‌گیرد.

### نتایج

قبل از بررسی یافته‌های مربوط به آزمون فرضیه‌ها، اطلاعاتی مانند، میانگین و انحراف معیار نمرات آنان در هر یک از ابزارهای اندازه‌گیری، همچنین تفاوت میانگین در آن نمرات بر حسب جنس و وضعیت انتساب به شاهد ارائه می‌شود.

جدول ۱- مقایسه میانگین زنان و مردان شاهد و غیر شاهد در متغیرهای تحقیق

سطح معناداری	t	غیر شاهد		شاهد		گروهها	
		انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	شاخصها	مقیاسها
$0/344$	۹/۴۹	۱۷/۴۴	۱۱۲/۸۷	۱۸/۸۰	۱۱۰/۵۰	مردان	سازگاری
$0/213$	۱/۲۵۰	۱۸/۹۹	۱۰۸/۰۹	۱۹/۰۲	۱۱۱/۴۳	زنان	زناشویی
$0/001$	۳/۲۴۹	۷/۵۳	۸۰/۵۶	۱۰/۸۲	۷۶/۳۰	مردان	رویاروگری
$0/371$	$0/897$	۹/۷۹	۷۷/۵۶	۱۰/۲۳	۷۶/۲۹	زنان	مسأله مدار
$0/122$	۱/۵۵۳	۵/۸۹	۳۶/۹۶	۶/۴۵	۳۵/۶۴	مردان	رویاروگری
$0/145$	۱/۴۶۶	۵/۷۴	۳۵/۹۰	۵/۸۸	۳۷/۱۰	زنان	هیجان مدار مثبت
$0/029$	۲/۱۹۳	۱۱/۹۶	۴۹/۸۸	۱۳/۱۵	۵۳/۶۸	مردان	رویاروگری
$0/293$	۱/۰۵۴	۱۴	۵۵	۱۲/۴۰	۵۳/۰۷	زنان	هیجان مدار منفی

● اطلاعات جدول ۱ آزمون t نمونه‌های مستقل نشان می‌دهد که در هیچ یک از متغیرهای مورد بررسی میانگین آزمودنیهای زن شاهد و غیرشاهد، تفاوت معنادار ندارند. در حالیکه مقادیر t مشاهده شده تفاوت میانگین نمرات مردان شاهد و غیرشاهد در سبکهای رویاروگری مسأله مدار ( $p < 0/001$ ) و هیجان مدار منفی ( $p < 0/02$ ) را نشان می‌دهد. بنابراین میانگین نمرات مردان گروه شاهد در سبکهای رویاروگری مسأله مدار در مقایسه با مردان گروه غیر شاهد کمتر و در سبک رویاروگری هیجان مدار منفی میانگینشان از گروه غیر شاهد بیشتر بوده است.

برای تحلیل تغییرات سازگاری زناشویی توسط سبک رویاروگری مسأله مدار، از تحلیل رگرسیون خطی دو متغیره استفاده شد که نتایج این تحلیل در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲- تحلیل رگرسیون سازگاری زناشویی زوجها از طریق سبک رویاروگری مسأله مدار

شاخص آماری / آزمودنی	ضریب رگرسیون (بتا)	ضریب رگرسیون استاندارد	خطای معیار برآورد	نسبت F	ضریب تعیین	ضریب ثابت	سطح معناداری
زنان	۰/۳۶۴	۰/۱۷۹	۱۹/۹۶	۶/۹۳۱	۰/۰۳۲	۸۹/۶۲۴	۰/۰۰۹
مردان	۰/۵۲۳	۰/۲۷۹	۱۷/۵۲	۱۷/۶۱۸	۰/۰۷۸	۷۰/۶۷۰	۰/۰۰۱
کل	۰/۵۳۰	۰/۳۰۱	۱۷/۷۸	۴۱/۸۶۹	۰/۰۹۱	۶۸/۶۴۲	۰/۰۰۱

در جدول ۲ براساس نمرات آزمودنیها در سبک رویاروگری مسأله مدار در گروه زنان، حدود سه درصد ( $p < 0/009$ ) و در گروه مردان حدود هشت درصد ( $p < 0/001$ ) و در کل نمونه حدود نه درصد ( $p < 0/001$ ) تغییرات نمرات سازگاری زناشویی قابل پیش‌بینی بوده است. به عبارت دیگر با توجه به مقدار شیب خط (ضریب رگرسیون) هر چه میزان نمره سبک رویاروگری مسأله مدار در هر یک از زوجها بیشتر باشد (با در نظر گرفتن میزان احتمال خطای برآورد) سازگاری زناشویی بیشتری برای آنها پیش‌بینی می‌شود.

جدول ۳ تحلیل رگرسیون سازگاری زناشویی زوجها از طریق سبک رویاروگری متمرکز بر هیجان مثبت

شاخص آماری / آزمودنی	ضریب رگرسیون (بتا)	ضریب رگرسیون استاندارد	خطای معیار برآورد	نسبت F	ضریب تعیین	ضریب ثابت	سطح معناداری
مردان	۰/۵۶۱	۰/۱۹۲	۱۷/۹۰	۷/۹۹۶	۰/۰۳۷	۹۱/۲۳۸	۰/۰۰۵
مردان و زنان	۰/۴۷۴	۰/۱۴۹	۱۸/۴۴	۹/۶۰۰	۰/۰۲۲	۹۳/۶۳۶	۰/۰۰۲

● برای تحلیل تغییرات سازگاری زناشویی توسط سبک رویاروگری هیجان مدار مثبت نیز از یک تحلیل رگرسیون خطی دو متغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول ۳ ارائه شده است. با توجه به اینکه در جدول ۳ بین سبکهای رویاروگری متمرکز بر هیجان مثبت و سازگاری زناشویی زنان به تنهایی رابطه معنادار مشاهده نشد، محاسبه رگرسیون فقط برای نمرات مردان و کل نمونه (زنان و مردان) انجام شد. براساس نمرات آزمودنیها در سبک رویاروگری هیجان مدار مثبت در گروه مردان حدود سه درصد و در کل حدود دو درصد تغییرات سازگاری زناشویی از طریق سبک رویاروگری متمرکز بر هیجان مثبت قابل پیش بینی است. به عبارت دیگر با توجه به مقدار شیب خط (ضریب رگرسیون) هرچه میزان نمره سبک رویاروگری هیجان مدار مثبت در گروه مردان بیشتر باشد (با توجه به میزان احتمال خطای برآورد)، سازگاری زناشویی بالاتری برای آنان پیش بینی می شود.

● برای تحلیل تغییرات سازگاری زناشویی توسط سبک رویاروگری هیجان مدار منفی نیز از تحلیل رگرسیون خطی دو متغیره استفاده شد که نتایج آن در جدول ۴ گزارش شده است.

جدول ۴- تحلیل رگرسیون سازگاری زناشویی زوجها از طریق سبک رویاروگری هیجان مدار منفی

شاخص آماری آزمودنی	ضریب رگرسیون (بتا)	ضریب رگرسیون استاندارد	خطای معیار برآورد	نسبت F	ضریب تعیین	ضریب ثابت	سطح معناداری
زنان	-۰/۳۰۶	-۰/۲۱۵	۱۸/۶۲	۱۰/۱۶۲	۰/۰۴۶	۱۲۶	۰/۰۰۲
مردان	-۰/۳۹۵	-۰/۲۷۷	۱۷/۵۳	۱۷/۳۲۹	۰/۰۷۷	۱۳۲/۱۰۵	۰/۰۰۱
کل	-۰/۴۸۶	-۰/۲۳۰	۱۸/۱۵	۲۳/۴۳۱	۰/۰۵۳	۱۳۴/۲۶۱	۰/۰۰۱

براساس یافته‌های ارائه شده در جدول ۴ میزان ضریب تعیین یا درصد تغییرات قابل پیش بینی در سازگاری زناشویی هرگروه براساس نمرات آنان در سبک رویاروگری هیجان مدار منفی در گروه زنان حدود چهارونیم درصد و در گروه مردان حدود هفت و نیم درصد و در کل حدود پنج درصد است.

به عبارت دیگر با توجه به مقدار شیب خط (ضریب رگرسیون) هرچه میزان نمره سبک رویاروگری هیجان مدار منفی در هر یک از زوجها بیشتر باشد (با در نظر گرفتن میزان احتمال خطای برآورد) سازگاری زناشویی کمتری برای آنها پیش بینی می شود.

● برای بررسی رابطه‌ی تعاملی بین سبکهای مختلف رویاروگری و تبیین تغییرات سازگاری زناشویی از تحلیل‌های رگرسیون گام به گام استفاده شد که نتایج مربوط به این تحلیلها در جداول ۵ و ۶ ارائه شده است.

جدول ۵- تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام سازگاری زناشویی زنان از طریق سبکهای رویاروگری مختلف

شاخص آماری / متغیرها به ترتیب ورود	ضریب رگرسیون (بتا)	ضریب استاندارد	نسبت F	ضریب ثابت	ضریب تعیین	سطح معناداری
رویاروگری مسأله مدار	۰/۵۰۶	۰/۲۶۵	۱۵/۷۷۱	۷۰/۴۶۰	۰/۰۷۰	۰/۰۰۱
رویاروگری مسأله مدار	۰/۵۱۶	۰/۲۷۰	۱۴/۰۹۳	۸۶/۷۶۸	۰/۱۱۹	۰/۰۰۱
رویاروگری هیجان مدار منفی	-۰/۳۱۵	-۰/۲۲۲				

اطلاعات جدول ۵ نشان می‌دهد که الگوی رگرسیون گام به گام سازگاری زناشویی گروه زنان از طریق سبکهای رویاروگری با ضریب تعیین ۰/۱۱۹ معنادار ( $p < ۰/۰۰۱$ ) بوده و حدود دوازده درصد تغییرات متغیر معیار (سازگاری زناشویی زنان) از طریق سبکهای وارد شده در تحلیل قابل پیش بینی است که از این میزان هفت درصد با ورود متغیر رویاروگری مسأله مدار مشخص شده، سپس با ورود متغیر بعدی (رویاروگری هیجان مدار منفی) این میزان به ۱۲ درصد افزایش یافته است.

با توجه به ضرایب رگرسیون می‌توان اظهار داشت که هرچه رویاروگری مسأله مدار بیشتر و رویاروگری هیجان مدار منفی کمتر باشد سازگاری زناشویی در زنان بیشتر است.

جدول ۶- تحلیل رگرسیون چند متغیره گام به گام سازگاری زناشویی مردان از طریق سبکهای رویاروگری مختلف

شاخص آماری / متغیرها به ترتیب ورود	ضریب رگرسیون (بتا)	ضریب استاندارد	نسبت F	ضریب ثابت	ضریب تعیین RS	سطح معناداری
رویاروگری مسأله مدار	۰/۵۲۳	۰/۲۷۹	۱۷/۶۱۸	۷۰/۶۷۰	۰/۰۷۸	۰/۰۰۱
رویاروگری مسأله مدار	۰/۴۳۵	۰/۲۳۲	۱۵/۲۷۴	۹۴/۵۷۱	۰/۱۲۸	۰/۰۰۱
رویاروگری هیجان مدار منفی	-۰/۳۲۷	-۰/۲۲۹				

● همان گونه که در جدول ۶ مشاهده می‌شود، الگوی رگرسیون گام به گام سازگاری زناشویی

گروه مردان از طریق سبکهای رویاروگری با ضریب تعیین ۰/۱۲۸ معنادار ( $p < ۰/۰۰۱$ ) بوده و حدود سیزده درصد تغییرات متغیر معیار (سازگاری زناشویی زنان) از طریق سبکهای وارد شده در تحلیل قابل پیش بینی است که از این میزان حدود هشت درصد با ورود متغیر سبک رویاروگری مسأله مدار مشخص شده، سپس این میزان با ورود متغیر بعدی (رویاروگری هیجان مدار منفی) به ۱۳ درصد افزایش یافته است. با توجه به ضرایب رگرسیون می توان اظهار داشت که در گروه مردان نیز هرچه رویاروگری مسأله مدار بیشتر و رویاروگری هیجان مدار منفی کمتر باشد سازگاری زناشویی بیشتر است.

### بحث و نتیجه گیری

هدف مطالعه حاضر بررسی ارتباط سبکهای رویاروگری و سازگاری زناشویی و امکان پیش بینی سازگاری زناشویی براساس آن سبکها در فرزندان شاهد متأهل و همسران ایشان بوده است.

● در تحلیل یافته‌های مربوط به رابطه، بین سبکهای رویاروگری مسأله مدار و سازگاری زناشویی در زوجها ضرایب همبستگی در سطح کل زوجها، زنان و مردان نشانگر رابطه مثبت معنادار است. با توجه به اینکه رویاروگری مسأله مدار به کوششهایی مربوط می‌شود که به طور خاص، عامل تنیدگی‌زا را هدف قرار می‌دهد. نمره بالا در این سبک رویاروگری به معنای استفاده از مواجهه فعال با مسأله و موقعیت تنیدگی‌زا به عوض اجتناب و یا فاصله‌جویی از آن، افزایش میزان تدبیر و تمرکز تلاش برای رسیدن به هدف برنامه ریزی برای چگونگی مواجهه با عامل تنیدگی‌زا، تفکر درباره چگونگی مواجهه با عامل تنیدگی‌زا؛ مکث نمودن برای یافتن بهترین راه اداره موقعیت مشکل‌زا، امتناع از انجام هرگونه عمل رقابت‌آمیز، به طور عمد توجه خود را به موارد دیگر جلب کردن به منظور کسب توانایی بیشتر جهت مواجهه با عوامل تنیدگی‌زا، خودداری از عمل از راه وادار نمودن خود به انتظار برای ارائه پاسخ در موقع مناسب به جای انجام عمل ناگهانی و بلافاصله درباره مشکل، جستجو و جلب حمایت اجتماعی ابزاری، و استفاده از باورها و اعمال مذهبی و روی آوردن به مذهب و خدا در هنگام مواجهه با تنیدگی است.

● یافته‌های پژوهش درخصوص استفاده از سبکهای رویاروگری هیجان مدار مثبت و سازگاری زناشویی در مردان نشانگر رابطه مثبت است. هرچند این رابطه در سطح زنان معنادار نبوده است، با

وجود این می‌توان سازگاری زناشویی را در حدّ بالایی برای زوجهای دارای نمرهٔ بالا در این سبک پیش بینی نمود.

براساس نظر لازاروس و فلکمن (۱۹۸۴) و باند و ویز (۱۹۸۸)، رویاروگری هیجان مدار شامل تلاشهایی می‌شود که برای تنظیم هیجانهای مرتبط با تنیدگی‌زا مؤثر است و با توجه به ماهیت آن می‌تواند تعالی بخش (مثبت) یا اجتنابی و فاصله‌ای (منفی) باشد. افراد دارای نمرهٔ بالا در رویاروگری هیجان مدار مثبت از شیوه‌های جستجوی حمایت اجتماعی هیجانی به معنای جلب حمایت اخلاقی، همدلی و همدردی؛ تعبیر و تفسیر مجدد موقعیت تنیدگی‌زا به طور مثبت و تمرکز بر جنبه‌های مثبت آنچه در حال رخ دادن است؛ پذیرش واقعیت موقعیت تنیدگی‌زا و داشتن آمادگی مواجهه با آن؛ استفاده از مزاح یا شوخی و بذله‌گویی به هنگام مواجهه با تنیدگی و توجه به جنبه‌های خنده‌آور آن، بیشتر استفاده می‌کنند.

● در خصوص استفاده از سبکهای رویاروگری هیجان مدار منفی و سازگاری زناشویی در زوجها یافته‌ها در سطح کلّ زوجها، زنان و مردان نشانگر رابطهٔ معکوس بوده است. رویاروگری هیجان مدار منفی شامل تلاشهایی است که برای تنظیم هیجانهای مرتبط با عامل تنیدگی‌زا به کار بسته می‌شود اما به جهت ماهیت آن، معمولاً فاقد کنش‌وری مطلوب و مؤثر است. این تلاشها عبارتند از: انکار یا امتناع از باور یا بازشناسی وجود یک تنیدگی‌زای واقعی و عمل کردن به گونه‌ای که تنیدگی‌زا واقعیت ندارد؛ تمرکز صرف بر نگرانی‌ها و هیجانات نامطلوب یا ناراحتیها و فقط صحبت دربارهٔ احساسات خود؛ انجام ندادن (بی تفاوتی) رفتار و اظهار احساسات مبنی بر درماندگی و استیصال اکتسابی از راه بازداری رفتارهایی که می‌تواند نیل به هدف را در پی داشته باشند؛ عدم درگیری (بی تفاوتی)، انصراف فرد از تفکر دربارهٔ انجام عمل برای حلّ مسأله و در عوض، رؤیایپردازی روزانه، خوابیدن، تماشای تلویزیون، گوش دادن به موسیقی و نظیر آن به جای تفکر دربارهٔ مسأله؛ سوء استفاده از الکل و دارو برای دور نگه داشتن ذهن خود از موقعیت تنیدگی‌زا و فرار از پیامدهای آن.

● یافته‌های این پژوهش در همگرایی با نتایج مطالعات قبل، نشان داد که سبکهای رویاروگری مسأله مدار به جهت برخورد فعال فرد با منابع تنیدگی‌زا با بهره‌گیری از فرآیندهای شناختی، حلّ مسأله و برنامه‌ریزی و عدم مواجهه فعل‌پذیر یا اجتنابی با آن، ارتباط قابل ملاحظه‌ای با نمرات بالای سازگاری زناشویی دارد و به‌عنوان یافته جدیدتر در این پژوهش می‌توان از بارقوی گرایش به



مذهب براساس تحلیل عامل در این نمونه در این سبک یاد کرد که حاکی از غلبه جهت‌گیری شناختی و فعال در استفاده از مذهب به عنوان کمک در اداره تئیدگی می‌باشد، در حالیکه این رویه در پژوهشهای قبل، در گروه سبک رویاروگری هیجان مدار مثبت قلمداد گشته بود که احتمالاً می‌توان تفاوت این جهت‌گیری را به ماهیت باورهای مذهبی و سطح اعتقادات متفاوت افراد در فرهنگ‌ها مربوط دانست.

● انطباق و هماهنگی نتایج به دست آمده درباره این یافته با مطالعات قبل، نتایج بسیاری از مطالعات از قبیل بررسیهای گویتتا و کمپاس (۱۹۹۳)، لیت و تن، افلک و کلاک، (۱۹۹۲)؛ ماتلین، و تینگن و کسلر (۱۹۹۰)؛ میتچل، کرنیکت و موث (۱۹۸۳)؛ استتن، تن، افلک و مندولا (۱۹۹۲) وجود روابط بین میزان استفاده از برخی از سبکها و راهبردهای رویاروگری مانند بهره‌گیری از فرار و اجتناب و افزایش میزان آشفتگیها و اختلالات روانشناختی و میزان استفاده از سبکهای رویاروگری مسأله مدار و افزایش میزان سازگاری کلی و زناشویی را تأیید کردند.

● در همین راستا، تأکید پیرلین و اسکولر (۱۹۷۸)، بر آثار پاسخ‌های رویاروگری در مقایسه با عوامل شغلی یا اقتصادی در گستره زندگی زناشویی و یافته‌های فلیشمن (۱۹۸۴)، مناقان (۱۹۸۲)؛ سابورین، لاپورت و رایت (۱۹۹۰)، مبنی بر تأیید مقایسه‌های خوش بینانه، مذاکره و گفتگو، تسلیم و نادیده گرفتن انتخابی به عنوان متغیرهای پیش‌بین برای سازگاری زناشویی، همگرایی نتایج پژوهشها را با یافته‌های مطالعه حاضر نشان می‌دهد.

● یافته‌ها و نتایج بررسی دام، دیویز و اکاتر (۲۰۰۱)، نیز نشان داد که می‌توان کیفیت پیشینه خانوادگی افراد، مانند تعداد افراد خانواده، ترتیب تولد، فاصله سنی بین فرزندان، جنس فرد و سایر فرزندان، میزان و کیفیت حضور پدر در خانواده، کیفیت ایفای نقش‌های والدی از سوی پدر و مادر و میزان تناسب نقشها با جنس یا وضعیت رفتارهای کنونی آنان در خانواده را باهم مرتبط دانست. از این رو، با استناد به یافته‌های تحقیق حاضر احتمالاً با توجه به نبود الگوی مردانه در خانواده‌های تک‌والدینی، اشکال همسان‌سازی در فرزندان پسر با پدر در این زمینه جای خود را به مشکل در فرزندان دختر داده است، گویا فقدان پدر بیش از آنکه برای فرزندان پسر مشکل‌ساز باشد با نوع استفاده از سبکهای رویاروگری فرزندان دختر مرتبط است که تا اندازه‌ای می‌توان دلیل آن را به امکان الگوگیری فرزندان پسر در جامعه از جایگزین‌هایی که سبکهای مسأله مدار را به کار می‌بندند مربوط دانست و از سوی دیگر امکان همسان‌سازی با مادری که علاوه بر نقش معمول

زنان دیگر، ایفای مسؤلیت سنگین عضو غایب را نیز عهده‌دار است را مبنای مشاهده این نتیجه دانست که خود مستلزم بررسی سبکهای رویاروگری همسران شاهد با زنان غیرشاهد و انجام تحقیقات بعدی است.

○ ○ ○

#### یادداشت‌ها

- |                                  |                                    |
|----------------------------------|------------------------------------|
| 1- Marital quality               | 2- Social psychological adjustment |
| 3- Gender roles                  | 4- Locus of control                |
| 5- Attachment styles             | 6- Communication ways              |
| 7- Coping styles                 | 8- Marital adjustment              |
| 9- Single parents                | 10- Attitudes                      |
| 11- Self esteem                  | 12- Competing resources            |
| 13- Emotional                    | 14- Overall stress                 |
| 15- Problem focused              | 16- Social supports                |
| 17- Stressors                    | 18- Parental roles                 |
| 19- Marital interaction patterns | 20- Identification                 |
| 21- Father loss                  | 22- Ecosystemic                    |
| 23- Dyadic adjustment            | 24- Hassles of daily living        |
| 25- Traits                       | 26- Adaptation                     |
| 27- Emotion focused              | 28- Vulnerability                  |
| 29- Cognitive-relational theory  | 30- Interapsyhic                   |
| 31- Rigid                        | 32- Denial                         |
| 33- Minimization                 | 34- Seeking meaning                |
| 35- Turning to religion          | 36- Disengagement                  |
| 37- Emotional ventilation        | 38- Alcohol-drug                   |

#### منابع:

- Aldwin, C. & Revenson, T. (1987). Does coping help? A reexamination of the relation between coping and mental health. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 337-348.
- Amato, P. & Keith, B. (1991). Parental Divorce and the Well-Being of Children. A Meta Analysis. *Psychological Bulletin*, 110,26-46.
- Band, E. B. & Weisz, J. R. (1988). How to feel better when it feels bad: Children's perspectives on

- coping with everyday stress. *Developmental Psychology*, 24(2), 247-253.
- Billings, A. G. & Moos, R. H. (1981). The role of coping responses in attenuating the impact of stressful life events. *Journal of Behavior Medication*, 4, 139-157.
- Billings, A. G. & Moos, R. H. (1984). Coping, stress, and social resources among adults with unipolar depression. *Journal of Personality and Social Psychology*, 46, 877-891.
- Bowman, M. L. (1990). Coping efforts and marital satisfaction: Measuring marital coping and its correlates. *Journal of Marriage and the Family*, 52, 463-474.
- Buboiz, M. M. & Santag, M. S. (1993). *Human ecology theory*. In P. G. Boss, W. J. Doherty, R. LaRossa, W. R. Schumm, & S. k. Steinmetz (Eds.).
- Carey, M. P. ; Spector, I. P. ; Lantinga, L. & Krauss, D. J. (1993). Reliability of the Dyadic Adjustment Scale. *Psychological Assessment*, 5, 238-240.
- Carver, C. S. ; Scheier, M. F. & Weintraub, J. K. (1989). Assessing coping strategies: A theoretically based approach. *Journal of Personality and Social Psychology*, 56, 267-283.
- Coehlo, F. ; Hamburg, D. A. & Adams, J. E. (1974) *Coping and adaptation*. NewYork: Basic Books, 1974. Sourcebook of family theories and methods (pp. 419-448). NewYork: Plenum.
- Dum, J. ; Davies, L. C. & Oconner (2001). Family Lives and Friendships: The Perspectives of Children in Step-Single-parent and Nonstep Families. *Journal of Family Psychology*, 15, 272-287.
- Endler, N. S. & Parker, J. D. A. (1990). Multidimensional assessment of coping: A critical evaluation. *Journal of Personality and Social Psychology*, 58: 844-854.
- Epstein, S. & Meier, P. (1989). Constructive thinking: A broad coping variable with specific coping components. *Journal of Personality and Social Psychology*, 57: 332-350.
- Fleishman, J. A. (1984). Personality characteristics and coping patterns. *Journal of Health and Social Behavior*, 25, 229-244.
- Folkman, S. & Lazarus, R. S. (1980). An analysis of coping in a middle-aged community sample. *Journal of Health and Social Behavior*, 21, 219-239.
- Frederickson, C. G. (1977). Life stress and marital conflict: A pilot study. *Journal of Marriage and Family Counseling*, 3, 41-47.
- Giunta, C. T. & Compas, B. E. (1993). Coping in marital dyads: Patterns and associations with psychological symptoms *Journal of Marriage and the Family*, 55, 1011-1017.
- Hazan, C. & Shaver, P. (1987). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of Personality and Social Psychology*, 52: 511-524.
- Hobfoll, S. E. ; Dunahoo, C. L. ; Ben-Porath, Y. & Monnier, J. (1994). Gender and coping: The dual-axis model of coping. *American Journal of Community Psychology*, 22, 49-81.

- Houser, R. ; Konstam, V. & Ham, M. (1990). Coping and marital satisfaction in dual-career couples: Early stage dual-career couples-wives as college students. *Journal of College Student Development*, 31, 325-329.
- Kotchick, B. A. ; Dorsey, S. ; Smiller, K. & Forehand, R. (1999). Adolescent Risk-Taking Behavior in Single-Parent Ethnic Minority Families. *Journal of Family Psychology*, 13, 93-102.
- Krohne, H. W. (1990). Personality as a mediator between objective events and their subjective representation. *Psychological Inquiry*, 1, 26-29.
- Lazarus, R. & Folkman, S. (1984). *Stress, appraisal, and coping*. New York: Springer.
- Lavee, Y. ; McCubbin, H. I. & Olson, D. H. (1987). The effect of stressful life events and transitions on family functioning and well-being. *Journal of Marriage and the Family*, 49, 857-873.
- Litt, M. D. ; Tennen, H. ; Affleck, G. & Klock, S. (1992). Coping and cognitive factors in adaptation to in vitro fertilization failure. *Journal of Behavioral Medicine*, 15, 171-187.
- Locke, H. J. & Wallace, K. M. (1959). Short multi-adjustment and prediction tests: Their reliability and validity. *Marriage and Family Living*, 21, 329-343.
- Markowski, E. M. & Greenwood, P. D. (1984). Marital adjustment as a correlate of social interest. Individual Psychology. *Journal of Adlerian Theory, Research, and Practice*, 40, 300-308.
- Mattlin, J. A. ; Wethington, E. & Kessler, R. C. (1990). Situational determinants of coping and coping effectiveness. *Journal of Health and Social Behavior*, 31, 103-122.
- McCrae, R. R. (1984). Situational determinants of coping responses: Loss, threat, and challenge. *Journal of Personality and Social Psychology*, 46, 919-928.
- McLaughlin, M. ; Cormier, L. S. & Cormier, W. H. (1988). Relation between coping strategies and distress, stress, and marital adjustment of multiple-role women. *Journal of Counseling Psychology*, 35, 187-193.
- Menaghan, E. (1982). Measuring coping effectiveness: A panel analysis of marital problems and coping efforts. *Journal of Health and Social Behavior*, 23, 220-234.
- Mitchell, R. E. ; Cronkite, R. C. & Moos, R. H. (1983) Stress, coping and depression among married couples. *Journal of Abnormal Psychology*, 92, 433-448.
- Morokoff, P. J. & Gilliland, R. (1993). Stress, sexual functioning, and marital satisfaction. *Journal of Sexual Research*, 30(1), 43-53.
- Pearlin, L. I. & Schooler, C. (1978). The structure of coping. *Journal of Health and Social Behavior*, 19, 2-21.
- Sabourin, S. ; Laporte, L. & Wright, J. (1990). Problem solving self-appraisal and coping efforts in distressed and nondistressed couples. *Journal of Marital and Family Therapy*, 16, 89-97.

- Scheier, M. F. ; Weintraub, J. K. & Carver, C. S. (1986). Coping with stress: Divergent strategies of optimists and pessimists. *Journal of Personality and Social Psychology*, 51, 1257-1264.
- Spanier, G. B. (1976). Measuring dyadic adjustment: New scales for assessing the quality of marriage and similar dyads. *Journal of Marriage and the Family*, 38, 15-28.
- Stanton, A. L. ; Danoff-Burg, S. ; Cameron, C. L. & Ellis, A. P. (1994). Coping through emotional approach: Problems of conceptualization and confounding. *Journal of Personality and Social Psychology*, 66, 350-362.
- Stanton, A. L. ; Tennen, H. ; Affleck, G. & Mendola, R. (1992). Coping and adjustment to infertility. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 11, 1-13.
- Stone, A. A. & Neale, J. M. (1984). New measure of daily coping: Development and preliminary results. *Journal of Personality and Social Psychology*, 46, 892-906.
- Suls, J. & Fletcher, B. (1985). The relative efficacy of avoidant and nonavoidant coping strategies: A meta-analysis. *Health Psychology*, 4, 249-288.
- Tobin, D. L. ; Holroyd, K. A. ; Reynolds, R. V. & Wigal, J. K. (1989). The hierarchical factor structure of the coping strategies inventory. *Cognitive Therapy and Research*, 13, 343-361.
- Vollrath, M. ; Torgersen, S. & Alnaes, R. (1995) Personality as Long-term Predictor of Coping. *Personality and Individual Differences*, 18, 117-125.
- Wilson, S. M. ; Larson, J. H. & Stone, K. L. (1993). Stress among job insecure workers and their spouses. *Family Relations*, 42, 74-80.
- Zeitlin, S. (1980). Assessing coping behavior. *American Journal of Orthopsychiatry*, 50, 139-144.

